



پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

ناصر شیربگی^۱

مصطفی قادری^۲

هادی فریادرس^۳

چکیده: چالش‌های متعددی بر سر راه توسعه حرفه‌ای معلمان وجود دارد. هدف پژوهش حاضر مطالعه تجارب ادامه تحصیل، از دیدگاه معلمان و اساتید همدان بود. این پژوهش با رویکردی تفسیری و به روش پدیدار نگاری انجام گرفت. در این تحقیق ۳۹ نفر در مصاحبه نیمه ساختمند به‌عنوان نمونه مشارکت کردند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی مانند خستگی جسمی و روحی، پایین آمدن کیفیت و توان تدریس و تحصیل عدم حضور در کلاس، انجام ندادن پایان‌نامه و تحقیقات علمی، اخراج از دانشگاه، کم‌کاری، عدم هماهنگی با اداره آموزش و پرورش، پایین آمدن کیفیت تدریس از سوی مصاحبه‌شوندگان قابل احصا است. با اتخاذ تصمیماتی همچون ایجاد دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه‌های مجازی و آنلاین که نیازمند حضور فیزیکی در مکان خاصی نیست، ممکن است بسیاری از این موانع سر راه توسعه حرفه‌ای معلمان هموار شود.

کلیدواژه‌ها: معلمان، ادامه تحصیل، توسعه حرفه‌ای، دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

در فضایی که هرساله دانش در حال پیشرفت و تحول است معلمان وظیفه‌ی بسیار مهمی بر دوش می‌کشند، چراکه باید خود را با این پیشرفت‌ها و تغییرات هماهنگ سازند تا بتوانند افرادی اثربخش برای جامعه تربیت کنند. در نتیجه، نیاز است تا معلمان همواره در حال ارتقای سطح

علمی و آموزشی خود در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی بوده و از یک حالت ایستا و ثابت خارج شوند.

اما این امر خود باعث بروز چالش‌هایی بر سر راه معلمان گردیده است. این چالش‌ها نه تنها گریبان‌گیر خود معلمان مشغول به تحصیل گشته، بلکه استادان دانشگاه‌ها و مسئولان آموزش و پرورش را با مشکلاتی روبرو کرده است. این مشکلات، می‌تواند باعث بی‌میلی برای ادامه تحصیل و یا افت کیفیت آموزش دانشگاه‌ها گردد.

به عقیده لاکهید^۱ و ورسپور^۲ (۱۳۷۱) برای تربیت معلمانی که از نظر مهارت‌ها و تعهد حرفه‌ای کارا باشند ضرورت دارد در سه زمینه ذیل سیاست‌های اصولی اتخاذ شود: (۱) بهبود دانش و معلومات حرفه‌ای معلمان، (۲) افزایش مهارت‌های تدریس معلمان در حال خدمت، (۳) ارتقاء انگیزه معلمی. در همین رابطه، یونسکو در اصل ششم از بیانیه خود تحت عنوان توصیه‌هایی در ارتباط با پایگاه معلمان، بیان می‌دارد که: "تدریس باید به‌عنوان یک حرفه از انواع خدمات عمومی به شمار آید و از معلمان، دانش تخصصی و مهارت‌های ویژه‌ای طلب کند. این‌گونه دانش و مهارت باید از طریق تحصیلات عمیق و مستمر کسب و کیفیت آن همواره حفظ گردد" (هلک^۳، ۱۳۷۱، ص ۲۲۷). همچنین، ابوحمزه (۱۳۶۸) بیان می‌دارد که نیاز است برای تمام معلمان در فرصت‌های مناسب شرایط ادامه تحصیل و ارتقا سطح کیفی و کمی آموزشی، فراهم شود و آن‌ها را از نظر دروس تخصصی و تربیتی تقویت نمود.

شاغل بودن معلمان در دوره تحصیلات تکمیلی مشکلات خاص دیگری به باور می‌رود چرا که به باور زیباکلام (۱۳۸۹) دوران تحصیلات تکمیلی که نوعاً دانشجو قدری از شور و شوق جوانی فاصله گرفته و جاف‌تادگی سنی و پختگی اجتماعی بیشتری یافته و می‌توان از او انتظار نگرشی به‌مراتب سنجیده‌تر و غیراحساسی‌تر نسبت به رشته تحصیلی و ادامه تحصیل داشت؛ عمده انرژی و وقت او صرف کاری می‌شود که بیرون از دانشگاه بدان اشتغال دارد. نتیجه این وضع این است که عمده فعالیت دانشجویی دانشجویان شاغل حضور در کلاس‌های درس است آنچه تأثیر این معضل را در نظام پژوهشی و جنبش تولید علم مضاعف می‌کند این است که نوعاً استادان

1. Lakhid
2. Werspour
3. Helk

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

گروه‌های دانشگاهی نسبت به تأثیر فوق‌العاده منفی اشتغال در مقاطع ارشد و یا بالاتر بی‌توجه هستند، (ص ۲۲۴).

مفهوم ارتقای حرفه‌ای معلمان از اواسط قرن بیستم و با ضرورت یافتن اجرای اصلاحات در نظام‌های آموزشی، پدیدار شده است. در شکل‌گیری این مفهوم، یافته‌های پژوهشی و بررسی مقایسه‌ای نظام‌های آموزشی تأثیر زیادی داشته‌اند زیرا به‌صورت علمی نشان داده شد که «معلم» در انجام اصلاحات آموزشی نقش دوسویه‌ای دارد. از یک‌سو موضوع اصلاحات آموزشی و از سوی دیگر عامل اصلاحات آموزشی محسوب می‌شود. لذا عمده‌ترین اهداف رایج در آموزش معلمان عبارتند از: حرفه‌ای‌سازی، ظرفیت‌سازی و به‌روز کردن معلمان برای پذیرش مسئولیت‌های جدید یا مواجهه با تغییرات برنامه‌های درسی.

انجمن همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه^۱ مجموعه پژوهش‌هایی را در کشورهای فرانسه، آلمان، نیوزلند، هنگ کنگ، چین، ژاپن و کانادا در زمینه‌ی آموزش معلمان انجام داد که منتج به آن گردید که در کشورهای فوق طول دوره‌ی آموزش معلمان و دوره‌ی تمرین عملی (کارورزی) افزایش یافته است (کوب،^۲ ۱۹۹۹).

هم‌چنین نتایج مطالعه‌ی دیگری که در زمینه‌ی رشد حرفه‌ای معلمان در دوره‌های تربیت معلم میان دو کشور ژاپن و ایالات متحده آمریکا صورت گرفت، نشان داد که ایجاد تغییر و اصلاحات و تجدید حیات در زمینه رشد حرفه‌ای آموزش معلمان هر دو کشور ضرورت دارد (کالینستون و اونو،^۳ ۲۰۰۱).

ویلیج و ریمرز^۴ (۲۰۰۰) در مطالعه خود نظام آموزش معلمان و نحوه توسعه حرفه‌ای آنان را در ۱۵ کشور مختلف مانند انگلستان، آلمان، اوکراین، ژاپن، چین، مالزی، استرالیا و کانادا مقایسه کردند. نتایج نشان داد که توسعه حرفه‌ای معلمان باید به‌عنوان فرایندی تلقی شود که از دوره‌ی پیش از خدمت شروع شده و تمام طول زندگی فرد را در برگیرد و به‌طور نظام‌مند طراحی، حمایت، بودجه‌بندی و بررسی شود و موجب ارتقاء و اثربخشی معلمان گردد. اصولی که در این

1. Asia Pacific Economic Cooperation

2. Cobb

3. Collinson & Ono

4. Villegas & Reimers



فرآیند ضروری شناخته شده‌اند عبارت‌اند از: ۱- توسعه‌ی معلم امری است مداوم، خودگردان، نیاز به حمایت و منابع و سودمند برای معلم و مدرسه و نیازمند حسابرسی.

عرب (۱۳۷۳) در تحقیق خود، به بررسی علل گرایش معلمین به ادامه تحصیل و شرکت در دوره‌های ضمن خدمت پرداخته است وی دریافت که تعداد معلمان شاغل به تحصیل مرد بیشتر از زنان است. علاوه بر این، درویشی (۱۳۷۴) در تحقیق خود بر روی دانشجو-معلمان دریافت که اگرچه درصد پایینی از آنان از اضطراب، افسردگی و مشکلات عاطفی برخوردارند اما عدم علاقه-مندی به شغل معلمی و رشته تحصیلی در میان آنان وجود داشت.

محمدی، صباغ‌پور و صدق‌پور (۱۳۸۴) در بررسی خود در مورد علل انگیزش معلمان دوره ابتدایی به تحصیل در آموزش عالی دریافتند که نیاز به ارتقای پایگاه اجتماعی، نیاز به افزایش توانایی کاربرد دانش و مهارت‌های شغلی، تمایل به تدریس در دوره‌های بالاتر تحصیلی و تمایل به احراز مشاغل بالاتر و مهم‌تر تحصیلی، بیشترین تأثیر داشته است.

تمرکز تحقیقات صورت گرفته در کشور ایران بیشتر بر روی دوره‌های ضمن خدمت و در سطح کارشناسی بوده و هم‌چنین در این تحقیقات اکثراً مسائل مربوط به تأثیر ادامه تحصیل بر انگیزش و کیفیت تدریس معلمان مورد بررسی قرار گرفته است.

در دو دهه گذشته گرایش معلمان شاغل به ادامه تحصیل فزونی یافته و مورد توجه دست‌اند-کاران نظام آموزشی کشور نیز قرار گرفته است؛ اما با این وجود، در کشور ما معلمان برای ارتقای سطح آموزشی خود و ادامه تحصیل با مسائل و مشکلات فراوانی در زمینه‌های مالی، اداری، انگیزشی روبرو می‌باشند.

تبعات این مشکلات و موانع به مسئولین و مدیران کشور نیز منعکس شده و برنامه‌های ساماندهی نیروی انسانی در دستور کار مسئولین ذیربط قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، دغدغه‌های مذکور موجب شد تا در آخرین روزهای سال ۱۳۸۹ تأسیس دانشگاه فرهنگیان با هدف احیای نظام تربیت معلم، ساماندهی و مدیریت یکپارچه جذب نیرو و ادامه تحصیل فرهنگیان در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تصویب قرار گرفت و برای اجرا به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

بسیاری از بخش‌نامه‌هایی که در خصوص ادامه تحصیل معلمان وجود داشته است بیشتر مربوط به سطوح پایین‌تر از دوره‌ی کارشناسی ارشد است. برای نمونه می‌توان به بخشنامه سال ۱۳۸۵ شماره (۶۱۰/۷۹۴۶/۲۴) اشاره کرد که در آن شرایط ادامه تحصیل در دوره‌ی کاردانی را برای معلمان بیان می‌کند (وزارت آموزش و پرورش). در سال‌های اخیر توجه مسئولان به ادامه تحصیل معلمان بیشتر شده است؛ حاجی‌بابایی در خصوص برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش برای ادامه تحصیل معلمان ابتدایی اظهار داشت:

«تاکنون بسیاری از برنامه‌ها از جمله کلاس‌های ضمن خدمت معلمان در روزهای پنجشنبه و جمعه تشکیل می‌شد و معلمان نمی‌توانستند در کلاس‌های درس حاضر شوند. در حال حاضر نیز با اجرای طرح تعطیلی پنج‌شنبه‌ها، برای معلمان دیپلمه که تعداد اندکی هستند و خواهان دریافت مدرک کاردانی هستند و یا معلمان دارای مدرک کاردانی که تصمیم به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی را دارند، این امکان فراهم شده است. با تشکیل دانشگاه جامع فرهنگیان به سمتی حرکت می‌کنیم که برنامه‌های این دانشگاه را با برنامه‌های آموزش و پرورش هماهنگ کنیم و کلاس‌های آن‌ها را در روزهای پنجشنبه و جمعه تشکیل دهیم یا ترم‌های تابستانی داشته باشیم. (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۹).

با توجه به تفاوت‌های خیلی زیاد در سیستم آموزش عالی در کشور ما با کشورهای دیگر و شیوه‌های تربیت معلم اصولاً مشکلات آن‌ها با مشکلات معلمان ایران یکسان نخواهد بود. بررسی اسناد نیز نشان می‌دهد که در کشور ما ادامه تحصیل فرهنگیان در سال‌های گذشته مورد تشویق و ترغیب مسئولین قرار گرفته است. در دهه‌های گذشته با توجه به اهمیت موضوع در کشور تسهیلاتی در این خصوص برای معلمان در حال تحصیل تدوین گردیده است که خلاصه‌ای از سیر تکاملی مقررات مربوطه در سال‌های گذشته در ذیل بررسی شده است:

در سال ۱۳۷۸، شیوه‌نامه شماره (۶۲۰/۳۵۳۶/۲۳) به منظور هدایت هرچه بیشتر ادامه تحصیل نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در رشته‌های مورد نیاز و بهره‌گیری افزون‌تر از دانش و معلومات فرهنگیان فارغ‌التحصیل دوره‌های مختلف تحصیل تدوین گردید. در این شیوه‌نامه ادامه تحصیل فرهنگیان در آن دسته از مؤسسات آموزشی که مدارک تحصیلی صادره آن‌ها حسب مورد به تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی و یا سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسیده بود، مورد قبول قرار گرفت؛ اما تسهیلات پیش‌بینی شده در این شیوه‌نامه فقط به فرهنگستانی که در رشته‌های مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش ادامه تحصیل می‌دهند تعلق می‌گرفت و افرادی



که در رشته‌های غیر مورد نیاز تحصیل می‌کردند نمی‌توانستند برای ادامه تحصیل از این تسهیلات بهره‌مند گردند. بر طبق این شیوه‌نامه، فرهنگیان در صورت احراز یک سری شرایط خاص می‌توانستند، متقاضی استفاده از مأموریت آموزشی گردند. هم‌چنین، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به فرهنگیان پذیرفته‌شده در کلیه دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مجاز نبوده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸).

پس از آن در سال ۱۳۸۲ با ابلاغ شیوه‌نامه شماره (۶۱۰/۱۱۱۶۰/۴۷) شرایط متفاوتی برای ادامه تحصیل فرهنگیان در نظر گرفته شد. معلمان متقاضی ادامه تحصیل باید در استخدام رسمی این وزارتخانه باشند و در رشته‌های مرتبط با مدرک تحصیلی دوره لیسانس، پست مورد تصدی و یا رشته مورد تدریس موظف خود تحصیل نمایند. در غیر این صورت، باید موافقت شورای برنامه‌ریزی استان مربوطه را برای ادامه تحصیل اخذ کنند. هم‌چنین، بر طبق این شیوه‌نامه قبولی، فرهنگیان در سهمیه آموزش و پرورش، به‌منزله‌ی موافقت با اعطای مأموریت آموزشی نمی‌باشد و اعطای مأموریت آموزشی در چارچوب ضوابط خاصی بود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۲).

به دنبال آن، در سال ۱۳۸۸ در بخشنامه شماره (۵۴۶۷۸/۶۰۳) شرایط جدیدی برای ادامه تحصیل فرهنگیان مدون گردید. مهم‌ترین مسأله برای ادامه تحصیل فرهنگیان در این بخش‌نامه، منطبق بودن رشته انتخابی با شغل افراد بود. افرادی که پست سازمانی دیگری دارند ولی به‌صورت موظف تمام‌وقت با ابلاغ رسمی در پست دیگری حداقل یک سال کامل اشتغال داشته و در زمان صدور موافقت‌نامه نیز اشتغال آنان تداوم دارد می‌توانند به استناد مدارک تحصیلی لازم و پیش‌بینی شده برای شرایط احراز آن پست سازمانی ادامه تحصیل دهند. در صورتی که فردی هم‌زمان با انجام وظایف شغلی خود خارج از وقت اداری، بنا به درخواست و تمایل خود در رشته‌های غیر مرتبط و غیر مورد نیاز ادامه تحصیل می‌داد، بالطبع ادامه تحصیلش در سهمیه فرهنگیان میسر نبود و مواردی از قبیل، موافقت با انتقال موقت، فرم معلم، ارسال ریز نمره، مأموریت، استفاده از سهمیه فرهنگیان، اعمال مدرک تحصیلی، یا هرگونه موافقت‌نامه دیگر، موضوعیت نداشت (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸).

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

باوجود ارائه برخی تسهیلات چنین برمی آید، مقررات و شیوه‌نامه‌های ادامه تحصیل معلمان مشکلات خاصی را پیش‌روی این قشر علاقه‌مند به ادامه تحصیل از جامعه قرار داده است. برای نمونه می‌توان به اخذ تعهدنامه از آنان مبنی بر حضور تمام‌وقت آن‌ها در دانشگاه‌ها، تردد بین محل کار و تحصیل در طول هفته، عدم تخصیص سهمیه کافی برای معلمان، افت تحصیلی، کاهش کیفیت تدریس آنان و در موارد زیادی انصراف از تحصیل یا مرخصی بدون حقوق اشاره کرد.

هدف عمده این تحقیق شناسایی چالش‌های فرا روی معلمانی است که علاوه بر تدریس در مدارس، به تحصیل در رشته‌ای خاص برای ارتقاء سطح علمی و کیفی خود می‌باشند. با توجه به اهداف بالا سؤالات پژوهشی ذیل مطرح شده‌اند:

۱- ادامه تحصیل از دیدگاه معلمان چگونه تجربه شده است؟ چالش‌هایی فرا روی ادامه تحصیل معلمان شاغل به تحصیل چیست؟

۲- از دیدگاه استادان دانشگاه چه مشکلاتی پیش روی معلمان شاغل به تحصیل و سیستم آموزشی دانشگاه وجود دارد؟

۳- از دیدگاه مسئولین چه مشکلاتی پیش روی مسئولین ادارات آموزش و پرورش معلمان شاغل به تحصیل وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر، یک جهت‌گیری معرفت‌شناختی تفسیری اتخاذ گردید. لذا از رویکرد کیفی و راهبرد پدیدار نگاری^۱ بهره‌گیری شد. سنت‌های کیفی بر تجربه درونی افراد به‌طور کلی، تجربه درونی انواع خاصی از افراد، یا تجربه درونی افراد در تعامل با یکدیگر تأکید می‌کند. تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرآیندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی^۲ به دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است. پدیدار نگاری را به‌عنوان روشی توصیف کرده‌اند که برای مطالعه‌ی طیفی از دیدگاه‌های متفاوت

1. Phenomenographic

2. Quantification

افراد در باب جهان به کار می‌روند. این روش نه تنها به توضیح تجربه می‌پردازد، بلکه تنوع‌ها و گوناگونی‌ها را نیز در تجربه‌ی یک پدیده‌ی خاص مطالعه می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰). همچنین مارتن (۱۹۹۴) اشاره می‌کند که تعداد محدودی از روش‌های کیفی وجود دارد که پدیده خاص تجربه شده را بررسی کند. هدف این است که پدیده‌هایی را که مردم تجربه کرده‌اند به سادگی روشن سازد. در یک کار پدیدارنگارانه، هدف محقق آن است که نشان دهد انسان‌ها چگونه یک پدیده‌ی معین را تجربه می‌کنند؛ بنابراین، تمرکز بر نشان دادن تجربه‌ی پدیده است نه مطالعه‌ی آن (محمدپور ۱۳۹۰).

نمونه‌گیری: نمونه‌گیری هدفمند دقیقاً همان چیزی است که عنوان آن دلالت می‌کند، یعنی اعضا یا واحدهای نمونه "از روی هدف" جهت بازنمایی یک معیار کلیدی خاص انتخاب می‌شوند. هدف نخست این نوع نمونه‌گیری تأمین این قاعده است که همه‌ی عناصر کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق پوشش داده شوند. دوم اینکه در درون هر یک از معیارهای کلیدی برخی تنوعات نیز وارد شود به گونه‌ای که تأثیر عنصر خاص بتواند بررسی گردد. ماکسول^۲ (۱۹۹۸) نمونه‌گیری هدفمند را نوعی نمونه‌گیری تعریف می‌کند در آن "محیط‌ها، اشخاص یا رویدادها به طور آگاهانه برای اطلاعات مهمی که می‌توانند فراهم سازند و نمی‌توانند از دیگر گزینه‌ها نیز به دست آیند، انتخاب می‌شوند" (به نقل از محمد پور، ۱۳۹۰). واحد نمونه در نوع نمونه‌گیری کیفی - هدفمند متفاوت بوده و به تناسب موضوع تحت مطالعه، روش‌شناسی تحقیق و بسیاری دیگر از ابعاد طرح تحقیق متفاوت است.

شیوه‌ی نمونه‌گیری پدیدارنگارانه مانند همه روش‌های کیفی از نوع هدفمند است. معیار اشباع نظری نیز به تعداد مصاحبه پایان می‌دهد. نمونه‌گیری با حداکثر تنوع یا ناهمگون در این راهبرد، هدف استخراج و تشریح تم‌ها و مقولات محوری است که مجموعه‌ی ایده‌الی از تنوع را در برمی‌گیرد (محمدپور، ۱۳۹۰). نمونه‌گیری گلوله‌برفی / شبکه‌ای نمونه‌گیری گلوله‌برفی یک تکنیک نمونه‌گیری هدفمند مشهور و متداول است که مستلزم استفاده از مطلعین یا مشارکت-کنندگان اولیه برای شناسایی موارد اضافی است که ممکن است به تدریج در مطالعه به کار روند.

1. Purposiveiy
2. Maxwell

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

این راهبرد نمونه‌گیری رهیافت مناسبی است برای یافتن مطلعین کلیدی پر اطلاعات یا موارد انتقادی مهم با فرض یافتن چند مطلع یا مورد اولیه، محقق می‌تواند با سؤال‌هایی چون: "چه کس دیگری در این مورد زیاد می‌داند؟ شما چه کس دیگری را در این زمینه پیشنهاد می‌دهید؟" از هر نمونه‌ای به نمونه‌ی کلیدی دیگر دست یابد (برنز و گروف^۱، ۲۰۰۵ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۰). برای مصاحبه با معلمان و اساتید از نمونه‌گیری با حداکثر تنوع استفاده شد. در این روش افرادی انتخاب می‌گردند که دارای دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی موضوع باشند و نیز زمینه و سوابق مختلفی داشته باشند. برای مصاحبه با مسئولین آموزش و پرورش، نمونه‌گیری گلوله‌برفی به کار رفت. نمونه مورد بررسی تحقیق، ۲۰ نفر از معلمان در حال تحصیل و فارغ‌التحصیل شهرستان همدان که ۵ نفر از آن‌ها زن و ۱۵ نفر مرد بودند، ۱۴ نفر از اساتید دانشگاه بوعلی سینا همدان که ۳ نفر از آن‌ها زن و ۱۱ نفر مرد بودند انتخاب گردیدند و ۵ نفر از مسئولین اداره آموزش و پرورش همدان که همگی مرد بودند با استفاده از نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. در خصوص اندازه و حجم نمونه در تحقیق کیفی، پاتون (۲۰۰۲) تأکید می‌کند که "هیچ قاعده‌ای برای تعیین اندازه‌ی نمونه در تحقیق کیفی وجود ندارد." وی ادامه می‌دهد که اندازه‌ی نمونه به آنچه که محقق می‌خواهد بداند، به هدف بررسی، به آنچه سودمند خواهد بود، آنچه که باورپذیر خواهد بود و آنچه می‌توان با زمان و منابع انجام داد، بستگی دارد (محمدپور، ۱۳۹۰).

ابزار: پدیدارنگاران بر این باورند که تعداد محدودی از تجارب ممکن است در مورد مفهوم مورد مطالعه باشد و با دسته‌بندی آن‌ها داده‌های مصاحبه را کشف کرد (باس^۲، ۱۹۹۷). تحلیل پدیدار-نگاری اصولاً به مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی یک پدیده، چیز یا موضوع می‌پردازد. بر همین اساس، باید موضوع مطالعه نیز تجربه‌ی زیسته‌ی چیزی یا موضوعی باشد (محمدپور، ۱۳۹۰).

ابزار پژوهش: در تحقیق‌های پدیدارنگارانه، روش عمده‌ی گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه - ساخت‌یافته است. مصاحبه‌های نیمه-ساخت‌یافته به این دلیل مناسب هستند که نه مانند مصاحبه‌های ساخت‌یافته دست و پای محقق را در تولید اطلاعات می‌بندد و نه مانند مصاحبه‌های عمیق اطلاعات بسیار وسیع و گاه غیرضروری فراهم می‌سازد. این نوع مصاحبه، نزدیکی و

1. Burns & Grove

2. Booth

فاصله‌ی هم‌زمان و مناسب را با فضای ذهنی سوژه‌ها ممکن می‌کند (محمدپور ۱۳۹۰). نخست به مصاحبه با معلمان در حال تحصیل برای پاسخ به سؤال اول انجام گردید و در مرحله بعد مصاحبه با اساتید دانشگاه برای پاسخ به سؤال دوم انجام گرفت و نهایتاً مصاحبه با مسئولین سازمان آموزش و پرورش برای پاسخ به سؤال سوم ترتیب داده شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات: روش تحلیل مصاحبه‌ها بر اساس روش پدیدارنگاری است. هدف از تحلیل داده‌ها استخراج مفاهیم و مقوله‌هایی است که به مقوله‌های توصیف موسومند. طبق نظر پدیدارنگاران اولیه، تعداد معدودی از مقوله‌های توصیف بیانگر درک سوژه‌ها از پدیده‌ی مورد مطالعه است (بارنارد و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از محمد پور، ۱۳۹۰). در فرایند تحلیل مقوله‌های تجربه‌ای که بر تجربه‌ی مشارکت‌کنندگان در مطالعه استوار هستند با ابزارهای متن کاوی استقر-ای تحلیلی از متن مصاحبه‌ها استخراج می‌شود. هدف پدیدارنگاری، نشان دادن تنوع در تجربه است. تنوع پدیدارنگارانه دارای ۴ الگوی متفاوت است که عبارتند از: تقابل^۱: فرد به یک نقطه مرجع نیاز دارد تا چیزی را با چیز دیگر مقایسه کند. تعمیم‌سازی^۲: تنوع در ارزش‌های یک بعد برای توضیح یک پدیده ضرورت دارد. جدایی^۳: برای تجزیه‌ی ابعاد معین پدیده‌ها یا جدا کردن این ابعاد از ابعاد دیگر، پدیده باید از تنوع برخوردار باشد، ضمن این‌که برخی از ابعاد ثابت می‌مانند. ترکیب^۴: در مواردی که پدیده باید در شکل تام خود تجزیه شود، موقعیت آن پدیده باید طوری مطالعه شود که همه‌ی ابعاد آن را یک‌جا در نظر بگیرد. از این‌رو، در درون ابعاد تنوع نیز نوعی تنوع وجود دارد.

الگوهای حاضر برای پدیده‌های متنوع است، در این پژوهش سه متغیر متنوع وجود دارد که عبارتند از: معلمان در حال تحصیل، اساتید و مسئولین و مدیران. آنچه که از این پژوهش مشخص است، مشکل ادامه تحصیل معلمان است که علاوه بر ایجاد مشکل برای خود معلمان که موضوع اصلی تحقیق است، مشکلاتی برای اساتید خود و مسئولان آموزش و پرورش نیز در پی دارد. لذا برای تجزیه و تحلیل این پدیده نیاز است تا از الگو تقابل استفاده گردد. در این پژوهش

-
1. Contrast
 2. Generalization
 3. Separation
 4. Fusion

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

برای شناخت مسائل و مشکلات معلمان در حال تحصیل، اساتید و مسئولان آموزش و پرورش، مشکلات معلمان در حال تحصیل به‌عنوان مرجع در نظر گرفته شده و مشکلات اساتید و مدیران آن‌ها به‌عنوان وابسته به آن در نظر گرفته شده است. از دیگر دلایل انتخاب روش تقابل مقایسه تجارب این سه دسته با یکدیگر است؛ بنابراین برای شناخت ابعاد مختلف مسأله و تجزیه و تحلیل اطلاعات، مشکلات اساتید و مدیران در رابطه با خود معلمان در حال تحصیل در نظر گرفته شده است و مشکلات این سه گروه شناسایی شده است.

تحلیل مصاحبه‌ها: در این تحقیق سعی شد برای جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها، مصاحبه شونده‌گان مشکلات و چالش‌های خود را به‌صورت مورد به مورد بیان کنند و محقق آنچه را از پدیده درک کرده به‌صورت یک گزارش مشروح از گفته‌های مشارکت کنندگان در تحقیق انتقال دهد و دقت شد تا هیچ اطلاعاتی که مشخص‌کننده مصاحبه شونده و محل مصاحبه باشد در متن پیاده نشود و پس از اتمام گزارش تحقیق، متن مصاحبه‌ها معدوم شد.

در ابتدا یک نمونه‌ی ۲۰ نفری از معلم‌هایی که فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد بودند و یا در حال تحصیل در این مقطع هستند به‌صورت نمونه‌گیری با حداکثر تنوع انتخاب شدند. پس از اتمام مصاحبه با معلمین، یک نمونه ۱۴ نفری از اساتید دانشگاه بوعلی سینا همدان نیز به‌صورت نمونه‌گیری با حداکثر تنوع انتخاب شدند. سپس ۵ نفر از مسئولین اداره آموزش و پرورش شهرستان همدان در تحقیق مشارکت کردند. این نمونه‌گیری به روش گلوله برفی انجام شد. از هر مشارکت‌کننده خواسته می‌شد تا مشارکت‌کننده‌ی دیگری را که از چالش‌های معلمین در حال تحصیل بیشتر آگاهی دارد و یا نظر مخالفی دارند را معرفی کند. لازم به ذکر است که درباره‌ی حجم نمونه در تحقیقات کیفی توافق عمومی وجود ندارد. به نظر می‌رسد که این تعداد نمونه برای هر گروه از مصاحبه‌کنندگان برای حصول به اطلاعات در این تحقیق کافی بوده است. سوالات مصاحبه به‌صورت کلی و جامع بودند و از مصاحبه شونده خواسته می‌شد تا هر چالش یا مشکلی را که خود شخصاً آن را تجربه کرده است بیان کند. در مورد معلمین و اساتید، آن‌ها بیشتر به خاطرات شخصی خود برای جواب به مصاحبه مراجعه می‌کردند، ولی در مورد مسئولین بیشتر به موارد قانونی و اطاعت از آن استناد می‌کردند. هر مصاحبه حدود ۲۰ تا ۲۵ دقیقه طول کشید. به خاطر ارزش نظری داده‌ها، پژوهشگر از شیوه‌ی نوحاسته استفاده نمود که در آن پژوهشگر، داده‌هایی را که گردآوری می‌کند فوراً مورد تحلیل قرار می‌دهد نه این‌که صبر کند تا

تمام داده‌ها گردآوری شود. هر مصاحبه قبل از انجام مصاحبه بعدی کدگذاری و تجزیه و تحلیل شد. به این منظور سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخاب شد. در مرحله کدگذاری باز محقق به دنبال فرایند می‌گردد. با بکارگیری یک سیستم باز، کدگذاری خط به خط داده‌ها را بازنگری کرده و فرایند آن را تشخیص داده و با استفاده از کلمات یا عبارات کلیدی موجود در متن کدگذاری باز را انجام می‌شود. سپس با مقایسه دائم کدها از نظر تشابه و تفاوت در مفاهیم، طبقات و زیر طبقات شکل گرفته و ویژگی‌ها و ابعاد هر یک از آن‌ها تعیین خواهد شد. در مرحله کدگذاری محوری، کدها و طبقات مقایسه شده و روابط بین طبقات و زیر طبقه‌ها مشخص خواهد شد تا تفسیری دقیق‌تر از پدیده موردنظر به دست آید. در مرحله کدگذاری انتخابی طبقات با یکدیگر تلفیق و طبقه اصلی و ارتباط آن با سایر طبقات مشخص می‌شود و در نهایت داده‌ها تبدیل به تئوری می‌شود.

سؤال اول تحقیق: هدف از طرح سؤال اول کسب درک دقیقی از تجربه معلمان از تحصیل هم‌زمان با کار بود. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها با معلمان برای پاسخگویی به سؤال فوق در ذیل آمده است:

خستگی فراوان: بسیاری از معلمان از خستگی زیاد گلایه می‌کردند، به این دلیل که آن‌ها بعد از ساعات کاری خود در مدارس مجبور بودند سریعاً در کلاس‌های دانشگاه حاضر شوند که این عمل خود باعث بروز مشکلات بسیاری به شکل‌های مختلف برای معلمان می‌شد مانند: نخوردن ناهار، خواب‌آلودگی در کلاس‌ها، عجله بسیار برای رسیدن به موقع در کلاس‌ها و ضعف جسمانی. مثلاً یکی از معلمان بیان کرد که: «من سه روز در هفته بعد از اتمام تدریس در مدرسه باید سریعاً به دانشگاه بروم و مجبورم که برای حضور به‌موقع در دانشگاه ناهار نخورم و حتی مقداری از مسیر را به دلیل نبود وسیله نقلیه بدوم و این‌ها باعث ضعف و خستگی و خواب‌آلودگی من در کلاس می‌شود» (مصاحبه شونده شماره ۱۱). با توجه به این که یکی از اصول یادگیری مناسب، سلامت جسمی یادگیرنده در حین فرایند یاددهی - یادگیری است، این خستگی بر یادگیری معلمان در کلاس‌های دانشگاهی‌شان تأثیر می‌گذارد و روی کیفیت یادگیری آن‌ها تأثیر دارد. معلم این خستگی جسمی را با خود به خانه نیز منتقل می‌کند که باعث بروز مشکلات خانوادگی می‌شود.

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

فشار روحی، اضطراب و استرس شدید: وجود نگرانی‌های تحصیلی و عدم همکاری مدرسه برای حضور معلمان در کلاس‌های دانشگاهی و بروز مشکلاتی با اساتید خود باعث بروز فشارهای روانی و اضطراب و استرس شدید در میان معلمان در حال تحصیل می‌شود. برای نمونه یکی از معلمان بیان کرد: «در امتحانات اولین ترم تحصیلی خود در مقطع کارشناسی ارشد یکی از امتحاناتم در ساعتی برگزار می‌شد که من هنوز در مدرسه مشغول به تدریس بودم به خاطر این تداخل فشار روحی زیادی را متحمل شدم» (مصاحبه شونده شماره ۱۴). به راحتی می‌توان دریافت که وجود فشارهای روانی، ناخودآگاه بر کیفیت تدریس و تحصیل توأم معلمان تأثیر منفی می‌گذارد، همچنین این فشارها بر زندگی شخصی آن‌ها نیز بی‌تأثیر نیست.

تداخل کلاس‌های مدرسه و دانشگاه: به دلیل این که معمولاً بین ساعات مدرسه و کلاس‌های درس دانشگاه تداخل وجود دارد و معلم ملزم به حضور در هر دو این مکان‌ها است، مشکلاتی برای او به وجود خواهد آورد. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت:

«در سال ۱۳۸۹ در آزمون مقطع کارشناسی ارشد، در رشته‌ی مدیریت آموزشی دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم. پس از ثبت نام و گذشتن یک ماه از شروع کلاس‌ها، به دلیل تداخل کلاس‌های مدرسه و دانشگاه و عدم موافقت اساتید با غیبت در کلاس‌ها مجبور به ترک تحصیل شدم» (مصاحبه شونده شماره ۳). تداخل ساعات کلاس‌های دانشگاه و مدرسه باعث می‌شود که معلمان مجبور به ترک محل خدمت خود در ساعاتی از هفته شوند و یا اینکه حضور مناسبی در کلاس‌های درس دانشگاهی خود نداشته باشند که در هر دو حالت بر کیفیت کار و تحصیل آن‌ها تأثیرگذار است. همچنین این مشکل باعث ترک تحصیل در تعدادی از معلمان شد که به نمونه‌ای از آن اشاره شد. یکی دیگر از معلمان بیان داشت: «برای اینکه در امتحانات پایان ترم خود شرکت کنم مجبور شدم در طول یک ماه چند بار محل کار خود را ترک کنم که این عمل منجر به کسر حقوق و تذکر کتبی به من شد» (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

کاهش انگیزه به تدریس و ادامه تحصیل: یکی از نیروهای پیش برنده در هر فعالیتی انگیزه و علاقه به آن است، در نتیجه با وجود یک سری مشکلاتی که بر سر راه ادامه تحصیل معلمان به وجود می‌آید، انگیزش فرد کاهش یافته عملکرد او پایین می‌آید. در این خصوص یکی از معلمان بیان کرد: «به رشته مشاوره بسیار علاقه‌مند بودم. با علاقه و شوق فراوان در این رشته قبول شدم، کتاب‌های بسیاری در این زمینه مطالعه می‌کردم و خیلی فراتر از خواسته‌های شغلم به آن

علاقه داشتم، اما پس از برخورد با موانعی در مسیر تحصیل در این رشته، بی‌علاقگی شدیدی نسبت به آن در من پدیدار شد، به حدی که فقط به دنبال اتمام سریع‌تر تحصیلم بودم» (مصاحبه شونده شماره ۱۹). معلمی دیگر گفت: «بسیار علاقه‌مند به ادامه تحصیل تا مقطع دکتری بودم که پس از بروز مشکلاتی این علاقه در من کم شد و کم‌کم از این کار منصرف شدم» (مصاحبه شونده شماره ۶). این بی‌علاقگی‌ها بر روی کیفیت تدریس و ادامه تحصیل معلمین بی‌تأثیر نیست.

عدم انجام تکالیف: لازمه‌ی تحصیل در دوره‌ی کارشناسی ارشد، انجام تحقیقات، پژوهش‌ها و پروژه‌های فراوانی است که بسیاری از آن‌ها توسط اساتید از دانشجویان خواسته می‌شود. بسیاری از معلمان از عدم انجام این تحقیقات صحبت کردند. برای نمونه یکی از معلمان بیان کرد: «در درس‌هایی که نمره‌ی من به انجام تحقیق وابسته بود، مجبور بودم از استاد مربوطه در خواست امتحان کتبی کنم که بتوانم درس موردنظر را قبول شوم، به خاطر اینکه وقت انجام این تکالیف را نداشتم» (مصاحبه شونده شماره ۲۰). انجام نشدن تکالیف توسط این‌گونه دانشجویان باعث بی‌اعتمادی استاد و دیگر دانشجویان به او می‌شود و کیفیت تحصیل او پایین می‌آید.

کمبود وقت کافی برای تدریس و تحصیل هم‌زمان: شغل معلمی خود نیازمند صرف وقت زیادی است، حتی وقت خارج از محل کار را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر ادامه تحصیل در مقاطع بالا خود نیازمند صرف وقت زیادی است. هم‌زمان شدن این دو با یکدیگر باعث کمبود وقت می‌شود. یکی از معلمین بیان داشت: «من معلم مقطع ابتدایی هستم. ۲۷ دانش‌آموز کلاس دوم دارم. با توصیفی شدن ارزشیابی، بسیاری از وقتی را هم که در خانه هستم، صرف انجام تکمیل پوشه کارها می‌کنم و گاهاً وقت رسیدگی به کارهای دانشگاه را ندارم» (مصاحبه شونده شماره ۱۸). این کمبود وقت بر روی عملکرد شغل معلمی تأثیرگذار است و نیز عملکرد تحصیلی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. یکی دیگر از معلمین درباره کمبود زمان گفت: «به علت محدودیت زمان، نمی‌توانستم کلاس‌ها را با اساتید موردنظرم بگیرم و به ناچار اساتید دیگر را انتخاب می‌کردم که موجب دل‌زدگی من از درس می‌شد» (مصاحبه شونده شماره ۵).

هزینه‌ی شهریه دانشگاه: با توجه به کمبود وقت معلمین جهت آمادگی برای آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، قبولی آن‌ها عمدتاً در دانشگاه‌های آزاد یا دوره‌های شبانه‌ی دانشگاه‌های سراسری

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

است. بنابراین، پرداخت هزینه‌ی دانشگاه هم یکی دیگر از چالش‌های فراروی آن‌ها است. به‌عنوان نمونه یکی از معلمان گفت: «در مقطع ارشد در دانشگاه آزاد قبول شدم، با توجه به هزینه‌ی سنگین آن، مجبور به گرفتن چند وام شدم و باید تا چندین سال زیر بار قسط وام باشم» (مصاحبه شونده شماره ۱). هزینه‌های سنگین دانشگاهی خود پدید آورنده‌ی مشکلات عدیده‌ی دیگری خواهد بود، همانند مشکلات خانوادگی، الزام برای یافتن راه دومی جهت کسب درآمد و پایین آمدن راندمان کاری آن‌ها.

مشکلات و هزینه‌های رفت و آمد: بسیاری از معلمین در دانشگاه‌هایی تحصیل می‌کردند که فاصله‌ی زیادی با محل زندگی و کار آن‌ها داشت. این فواصل باعث بروز مشکلاتی از جمله هزینه‌ی رفت و آمد، مرخصی‌های فراوان، خطرهای رفت و آمد و دوری از خانواده اشاره می‌شود. برای مثال معلمی بیان داشت: «من در دانشگاه ارومیه تحصیل می‌کردم و مجبور بودم علاوه بر هزینه‌های رفت و آمد، سه روز آخر هر هفته را به دور از خانواده در دانشگاه مربوطه باشم و این کار باعث ناراحتی شدید خانواده‌ام می‌شد» (مصاحبه شونده شماره ۱۳).

عدم حمایت از طرف آموزش و پرورش: بیشترین مشکلی که معلمان به آن اشاره داشتند، عدم حمایت آن‌ها توسط مسئولین آموزش و پرورش از آن‌ها بود. این افراد اشاره می‌کردند: «با مرخصی‌های ما موافقت نمی‌شد، در شهری که در آن به تحصیل می‌پرداختیم، هیچ‌گونه حمایتی دیده نمی‌شد، با کسری حقوق و تذکرات کتبی و شفاهی مواجه می‌شویم، کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی بیشتر وقت‌های ما را در روزهای تعطیل که زمان مناسبی برای رسیدگی به دروس دانشگاهی است، می‌گیرد». یکی دیگر از معلمین بیان داشت: «زمینه‌های ادامه تحصیل در گذشته مهیاتر بود ولی امروزه با توجه به اعمال قانون مدیریت خدمات کشوری، ادامه تحصیل فرهنگیان با مشکل مواجه شد» (مصاحبه شونده شماره ۹). همچنین ایشان در خصوص بی‌ارزش بودن مدرک کارشناسی ارشد خود بیان داشت: «مدارک بالاتر دارای هیچ ارزشی نیست. یک فرد با مدرک دیپلم در محل کارم بیشتر از یک من که فوق لیسانس دارم حقوق و مزایا دریافت می‌کند».

عدم حمایت از طرف آموزش عالی: بعضی از معلمین به حمایت‌های کم آموزش عالی از فرهنگیان در حال تحصیل اشاره می‌کردند. یکی از مصاحبه شونده‌ها در این خصوص بیان داشت که: «در دانشگاه‌ها هیچ‌گونه تسهیلات مالی برای ما در نظر گرفته نمی‌شود. حتی در روزهایی که

مجبورم در دانشگاه مربوطه بمانم خوابگاه به من تعلق نمی‌گیرد و به اجبار باید به مسافرخانه بروم» (مصاحبه شونده شماره ۷). بعضی از معلمان به گذراندن تعداد واحدهای زیاد و قرار دادن امتحانات در وقت اداری اشاره می‌کردند.

بروز مشکلات خانوادگی: گاهی دیده می‌شد که در مصاحبه، معلمان از بروز مشکلات خانوادگی صحبت به میان می‌آوردند. از جمله آن‌ها؛ دوری از خانواده به دلیل حضور در دانشگاه، کسری حقوق و عدم رسیدگی درست به کارهای خانواده را بیان داشت. به‌طور مثال یکی از مصاحبه شونده‌های خانم بیان کرد که: «من در یکی از دانشگاه‌های تهران مشغول به تحصیل بودم و در همین حین کودکی ۱ ساله داشتم. برای رسیدگی به کارهای فرزند خود، مجبور به گرفتن چند ترم مرخصی شدم» (مصاحبه شونده شماره ۲). این مشکل بیشتر در معلمان متأهل و معلمان زن نمود پیدا می‌کرد. حضور در دانشگاه خود نیازمند صرف هزینه‌هایی است که باعث بروز تضاد در فرد برای خرج این پول در خانواده یا در راه ادامه تحصیل می‌شود. یکی از معلمان در مصاحبه خود بیان داشت: «من دو فرزند دارم. در ماه حدوداً هفتصد هزار تومان درآمد من است، در دانشگاه آزاد نیز در حال ادامه تحصیل در رشته شیمی هستم. برای اینکه بتوانم شهریه دانشگاه را پرداخت کنم مجبور به صرف اکثر درآمدم در دانشگاه می‌شوم. این کار هم خودم را آزار می‌دهد و نیز موجبات گلایه خانواده را فراهم کرده است» (مصاحبه شونده شماره ۱۵).

استفاده از روش‌های نامعقول برای کسب نمره: هدف کسانی که در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند، به‌طور عمده کسب علم و ارتقاء سطح علمی خود است اما با به وجود آمدن موانعی بر سر راه، این‌گونه افراد در اقلیت قرار می‌گیرند و این اهداف جای خود را به اهدافی نظیر کسب مدرک و به اتمام رساندن هرچه سریع‌تر دوره‌ی دانشگاه می‌دهند؛ بنابراین این‌طور افراد به راه‌هایی غیرمنطقی و نادرست برای دستیابی به نمره موردنظر متوسل می‌شوند. به‌طور مثال یکی از نمونه‌ها بیان کرد: «برای دروسی که نیازمند انجام پروژه تحقیقاتی بود، برای کسب نمره موردنظر مجبور بودم یا از جایی کپی کنم یا اینکه انجام این پروژه را بر عهده‌ی کافی‌نت‌ها بگذارم» (مصاحبه شونده شماره ۱).

مؤلفه‌های اصلی و چالش‌های معلمان در حال تحصیل بدست آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های معلمان در حال تحصیل شهر همدان در جدول (۱) آمده است.

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

جدول ۱ مؤلفه‌های چالش‌های فراروی معلمان در حال تحصیل

مرد	زن	تکرار پاسخ	مقولات جزئی	مقولات هسته‌ای
۸	۲	۱۰	خستگی فراوان	مشکلات شخصی
۷	۲	۹	مشکلات و هزینه‌های رفت و آمد	
۴	۲	۶	بروز مشکلات خانوادگی	
۳	۱	۴	عدم انجام تکالیف	
۲	۱	۳	استفاده از روش‌های نامناسب برای کسب نمره	
۱۰	۳	۱۳	عدم حمایت از سوی آموزش و پرورش	مشکلات اداری
۸	۳	۱۱	تداخل کلاس‌های مدرسه و دانشگاه	
۷	۲	۹	کمبود وقت برای تدریس و تحصیل هم‌زمان	
۵	۲	۷	شهریه‌های دانشگاه	مشکلات آموزشی
۵	۰	۵	عدم حمایت از سوی آموزش عالی	
۲	۰	۲	اخراج یا ترک تحصیل	
۶	۲	۸	فشار روحی، اضطراب	مشکلات انگیزشی
۲	۱	۳	کاهش انگیزه به تدریس و ادامه تحصیل	

همان‌گونه که دیده می‌شود معلمان به مشکلات فراوانی در سر راه ادامه تحصیل خود اشاره کردند. از متن مصاحبه با معلمان ۱۳ مشکل اصلی قابل احصا بود که می‌توان آن‌ها را در ۴ مقوله هسته‌ای؛ شخصی، اداری، آموزشی و انگیزشی جمع‌بندی کرد. هر یک از مقوله‌های هسته‌ای به چند مقوله‌ی جزئی تقسیم می‌شود که هر یک بر اساس بیشترین اهمیت، اولویت‌بندی شده است.

سؤال دوم تحقیق: از دیدگاه اساتید چه مشکلاتی پیش روی معلمان شاغل به تحصیل و سیستم آموزشی دانشگاه وجود دارد؟ هدف از طرح این سؤال، کسب درک دقیقی از تجربه اساتید از معلمان در حال تحصیل بود. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها برای پاسخگویی به سؤال فوق در ذیل آمده است.

عدم حضور منظم در کلاس: بسیاری از اساتید بزرگ‌ترین مشکل این‌گونه دانشجویان را عدم حضور در کلاس درس می‌دانستند که خود عامل بروز چالش‌های دیگری می‌شود، از جمله می-

توان به این موارد اشاره کرد: عدم بروز رسانی اطلاعات، نارضایتی اساتید، بی‌اطلاعی از تکالیف محول شده به آن‌ها و غیره. یکی از اساتید بیان داشت: «همین امروز دانشجوی دبیری اجازه گرفت که فردا در کلاس حاضر نباشد و خودش درس را بخواند در صورتی که این کار را در هفته پیش نیز انجام داده بود» (مصاحبه شونده شماره ۷). یکی دیگر از معضلاتی که در این مقوله جای دارد، بهانه‌های مکرری است که این دانشجویان برای عدم حضور بیان می‌دارند. برای نمونه یکی از اساتید بیان داشت: «مهم‌ترین مشکلی که من با این دسته از دانشجویان دارم، عدم حضور در کلاس‌ها و بیان مشکلات عدیده و بهانه آوردن بسیار است» (مصاحبه شونده شماره ۱).

عدم انجام تکالیف: به بیان اساتید این دسته از دانشجویان به دلایل زیادی از انجام تکالیف سر باز می‌زنند، یا اینکه کارهایشان را ناقص انجام می‌دهند. یکی از مصاحبه شونده‌ها بیان داشت که: «در یک مورد دانشجویی داشتم که کارهای تحقیقاتی را اصلاً انجام نمی‌داد. پس از پرس و جو و صحبت با او دریافتم که او معلم است» (مصاحبه شونده شماره ۱۳). عدم انجام تکالیف باعث نارضایتی اساتید از دانشجو می‌شود. ممکن است منجر به مردودی بشود و همچنین عدم به‌روزرسانی دانش این دسته از افراد می‌شود.

بی‌ارزش دانستن تحصیل: این‌گونه دانشجویان به دلیل وجود مشکلات عدیده‌ای که در امر تحصیل بر سر راهشان وجود دارد آن‌گونه که باید برای آن تلاش نمی‌کنند، کارهای پژوهشی انجام نمی‌دهند و در کلاس‌ها حضور نمی‌یابند که تعدادی از اساتید این را نشانه‌ی بی‌ارزش دانستن امر تحصیل می‌دانند. یکی از اساتید بیان کرد: «این دانشجویان خود را موظف به انجام وظایف نمی‌دانند و امر تحصیل بی‌ارزش می‌دانند» (مصاحبه شونده شماره ۵).

خستگی در کلاس درس: به دلیل صرف انرژی زیاد معلمان قبل از حضور در کلاس‌های دانشگاه، در کلاس‌های درس، بسیار خسته و پریشان خاطر هستند و در نتیجه حضور فعالی در امر یاددهی-یادگیری ندارند. برای نمونه یکی از مصاحبه شوندگان گفت: «خسته از راه می‌رسند و در کلاس چرت می‌زنند و زود هم می‌خواهند بروند» (مصاحبه شونده شماره ۱۴).

نداشتن فرصت کافی برای امر تحصیل: به دلیل مشغله زیاد در اکثر ایام هفته فرصت کافی برای امور تحصیلی خود ندارند و این خود باعث بروز مشکلات دیگری برای معلم خواهد شد. یکی از اساتید بیان داشت: «معلمین دو روز در هفته بیشتر وقت ندارند. اگر جلسه در ساعات

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

آخر روز دوم باشد، یا در کلاس شرکت نمی‌کنند یا با اکراه به کلاس می‌آیند. به هر حال دل به درس نمی‌دهند» (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

مختل کردن کلاس‌ها به خاطر کارهای خویش: برای اینکه به کارهایشان برسند، دانشجویان را به تعطیل کردن کلاس‌ها ترغیب می‌کنند یا سعی می‌کنند ساعات برگذاری کلاس‌ها را آن-گونه که خود می‌خواهند بچینند حتی اگر به صلاح سایر دانشجویان و استاد نباشد. یکی از اساتید بیان داشت: «بارها پیش آمد که به خاطر یکی از دانشجویان من که معلم نیز بود چندین بار ساعات کلاس را تغییر بدهم که خود این قضیه مشکلاتی برای سایر کلاس‌ها ایجاد می‌کرد و در زمان امتحان درس مربوطه نیز دوباره با این مشکل برخورد کردم» (مصاحبه شونده شماره ۸).
ایجاد ناراضی‌تی در دیگر دانشجویان: رفتارهای مسالمت‌آمیز اساتید با بعضی از این دانشجویان منجر به ناراضی‌تی دیگر دانشجویانی می‌شود که در امر تحصیل کوشا بوده و نهایت سعی و تلاش خود را می‌کنند و این خود بر عملکرد کل کلاس و رابطه استاد با دانشجویانش تأثیرگذار خواهد بود. یکی از مصاحبه شونده‌گان گفت: «استاد اگر بخواهد با او همانند دیگر دانشجویان رفتار کند غالباً در درس‌های خود مردود می‌شوند و اگر هم با او رفتاری متفاوت با سایر دانشجویان داشته باشد باعث اعتراض از جانب دانشجویان دیگر خواهد شد» (مصاحبه شونده شماره ۱).

مردودی یا حذف دروس: معلمان در حال تحصیل به دلیل عدم حضور مناسب و نداشتن وقت کافی و بسیاری دلایل دیگر، نمی‌توانند به صورت مناسب به دروس خود در دانشگاه توجه داشته باشند، در نتیجه امکان مردودی آن‌ها در دروس بالا می‌رود. در بعضی موارد آن‌ها مجبور به حذف درس می‌شوند. در این زمینه یکی از اساتید بیان داشت: «من با این دسته دانشجویان مثل دیگر دانشجویان برخورد می‌کنم که ناخود آگاه آن‌ها متضرر می‌شوند و بسیاری از دروس خود را باید حذف کنند یا اینکه مردود می‌شوند» (مصاحبه شونده شماره ۹).

اخراج از کلاس: بعضی از اساتید، وضعیت این‌گونه دانشجویان را نمی‌پذیرند و از حضور آن‌ها در کلاس جلوگیری می‌کنند در نتیجه آن‌ها مجبور به حذف آن درس می‌شوند. برای مثال یکی از مصاحبه شونده‌ها گفت: «اگر دانشجویی کوچک‌ترین کم‌کاری یا غیبت داشته باشند عذر او را خواسته و از کلاس اخراجش می‌کنم» (مصاحبه شونده شماره ۲). این کار ضربه بزرگی بر روحیه و علاقه‌ی معلمان نسبت به ادامه تحصیل و حتی تدریس در کلاس درس خواهد زد.

طولانی شدن فرایند تهیه پایان‌نامه: معلمین در حال تحصیل به دلیل وجود مشکلاتی که دارند عموماً ادامه تحصیلی‌شان طولانی می‌شود، این طولانی شدن در مورد پایان‌نامه‌ی آن‌ها بسیار مشخص‌تر است. یکی از اساتید اظهار داشت: «در بعضی موارد این دانشجویان یا مدت زمان زیادی را صرف انجام پایان‌نامه می‌کنند و یا اینکه پایان‌نامه‌ای در خور، نمی‌نویسند» (مصاحبه شونده شماره ۳).

ضعف پایه‌ی تحقیقاتی و پژوهشی: برخی از اساتید از ضعف پایه تحقیقاتی و همچنین پژوهش محور نبودن فعالیت‌های آن‌ها صحبت می‌کردند. مثلاً استادی بیان کرد که: «دانشجویی داشتم که به دلیل نداشتن تجربه در امر پژوهش، همیشه از انجام دادن کارهای پژوهشی و حتی ترجمه متون انگلیسی خودداری می‌کرد» (مصاحبه شونده شماره ۱۰).

نداشتن اطلاعات به‌روز و کافی در رشته خود: معلمین به دلایلی اطلاعاتی کافی و به‌روز در مورد رشته خود ندارند از جمله آن می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ وقفه‌ای که بین دوران کارشناسی و کارشناسی ارشد آن‌ها وجود دارند، مطالعات کم، عدم ارتباط بین رشته‌ی تحصیلی کارشناسی با کارشناسی ارشد آن‌ها و انجام ندادن تحقیقات و پروژه‌های علمی. یکی از اساتید بیان داشت که: «دانشجویی داشتم که رشته کارشناسی ارشد و کارشناسی او هماهنگی نداشت. اطلاعات او در حد همان کتاب‌هایی بود که برای کنکور مطالعه کرده بود و همیشه در کلاس درس بیننده محض بود» (مصاحبه شونده شماره ۶).

مدرک گرایی: به بیان برخی از اساتید معلمین در حال تحصیل و کلیه افراد شاغل به تحصیل هدفشان از ادامه تحصیل فقط گرفتن مدرک و افزایش حقوق است. این خود موجب کم‌کاری و بی‌توجهی به تحصیل می‌شود.

انتقال مشکلات خانوادگی و کاری به امر تحصیل: این دسته از دانشجویان در محل کار خود با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند که بی‌اختیار این مشکلات بر روی تحصیل آن‌ها تأثیر می‌گذارد. برای نمونه یکی از اساتید اظهار داشت: «از آنجا که اکثر معلمان در شرایط عادی، علاوه بر تدریس در ساعات موظف خود ساعات دیگری را به‌صورت حق‌التدریس، تدریس می‌کنند و در صورت ادامه تحصیل، این منبع درآمد قطع خواهد شد و چون قبلاً بر روی این درآمد حساب باز

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

شده و احتمالاً بابت پرداخت وام‌های احتمالی و غیره در نظر گرفته شده، اختلالاتی در این زمینه در زندگی معلمان به وجود خواهد آمد که مسلماً بر کیفیت تحصیل وی از سویی و تدریس وی از سوی دیگر تأثیر منفی خواهد داشت» (مصاحبه شونده شماره ۵). یکی دیگر از اساتید بیان داشت: «چون اغلب این گروه از دانشجویان متأهل بوده و دارای فرزند نیز هستند، مسائل خانوادگی و مشکلات پیش روی آن‌ها به‌طور مستقیم در عملکرد درستی آن‌ها نیز منعکس می‌شود» (مصاحبه شونده شماره ۶).

انتظارات بالا: این‌طور دانشجویان به خاطر شرایط خاصی که دارند از اساتید خود انتظار درک شرایط و کنار آمدن با شرایط خود را دارند و این ممکن است باعث نارضایتی خود استاد و دیگر دانشجویان شود.

چالش‌ها و مشکلات معلمان در حال تحصیل از نظر اساتید آن‌ها که از تحلیل محتوای مصاحبه با اساتید معلمان در حال تحصیل شهر همدان به دست آمده در جدول (۲) آمده است.

جدول (۲) چالش‌های معلمان در حال تحصیل از دیدگاه اساتید

مرد	زن	تکرار پاسخ‌ها	مقولات جزئی	مقولات هسته‌ای
۶	۳	۹	عدم انجام تکالیف	تحصیلی
۶	۰	۶	بی‌ارزش دانستن امر تحصیل	
۶	۰	۶	نداشتن اطلاعات کافی و به‌روز در رشته خود	
۳	۲	۵	ضعف پایه تحقیقاتی و پژوهشی	
۱	۱	۲	حذف یا مردودی در دروس	
۲	۰	۲	طولانی شدن انجام پایان‌نامه	
۷	۳	۱۰	عدم حضور منظم در کلاس	شخصی
۷	۲	۹	خستگی در کلاس درس	
۳	۱	۴	انتقال مشکلات کاری و خانوادگی به امر تحصیل	
۲	۱	۳	انتظارات بالا	
۱	۱	۲	ایجاد نارضایتی در دیگر دانشجویان	
۲	۰	۲	مدرک گرایی	اداری
۶	۱	۷	عدم فرصت کافی برای تحصیل	
۱	۱	۲	مختل کردن کلاس‌ها به دلیل کارهای خویش	

همان‌گونه که دیده می‌شود، از متن مصاحبه با اساتید دانشگاهی می‌توان ۱۴ چالش را برای ادامه تحصیل معلمان احصا کرد. این چالش‌ها در ۳ مقوله کلی دسته‌بندی شده است و هر یک دارای مقولات جزئی‌تری هستند که بر اساس اهمیت اولویت‌بندی شده است.

سؤال سوم تحقیق: از دیدگاه مسئولین چه مشکلاتی پیش روی مسئولین ادارات آموزش و پرورش معلمان شاغل به تحصیل وجود دارد؟ هدف از انجام این سؤال، کسب درک دقیقی از نگرش مسئولین آموزش و پرورش نسبت به معلمان در حال تحصیل بود. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها برای پاسخگویی به سؤال فوق در ذیل آمده است.

غیبت غیرموجه: مسئولین بیان داشتند که به دلیل تداخل کلاس‌های دانشگاه و مدرسه، گاه دیده شده است که معلمانی که در حال تحصیل هستند، در بعضی از ساعات تدریسشان در مدرسه حضور ندارند و به دانشگاه‌هایشان مراجعه می‌کنند. این خود باعث کاهش عملکرد شغلی آن‌ها می‌شود و دید منفی را نسبت به خود معلم و دیگر کارکنان مدرسه که غیبت او را گزارش نکرده‌اند نزد اداره آموزش و پرورش ایجاد می‌کند. این غیبت‌ها خود کسری حقوق و درج در پرونده به همراه خواهد داشت.

کم‌کاری: از دیگر مشکلاتی که بیان شد، کم‌کاری این دسته از معلمین بود. مصاحبه‌شونده‌ها بیان داشتند که به دلیل مشغله‌ی زیادی که تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد برای معلمین ایجاد می‌کند، بر روی کار آن‌ها تأثیر منفی خواهد داشت؛ و این ضربه‌ای بر دانش‌آموزان این معلمان خواهد بود.

بالارفتن سطح انتظارات: مسئولین آموزش و پرورش اشاره کردند که، با بالا رفتن مدرک این‌گونه معلمین نسبت به اکثریت دیگر معلمین، انتظارات آن‌ها نیز بالاتر می‌رود و خواهان مساعدت و همکاری بیشتری از سوی اداره آموزش و پرورش می‌شوند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها بیان داشت: «در زمان سازماندهی معلمین که بر اساس امتیازات آن‌ها خواهد بود، این دسته از معلمین به دلیل داشتن مدرک بالاتر خواستار انتخاب مدرسه بهتر هستند» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

عدم حضور در کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی: این دسته از معلمان به دلیل انجام کارهای تحصیلی خود در روزهای تعطیل و تداخل با کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی، از حضور در این کلاس‌ها ممانعت می‌کنند. یکی از مسئولین اشاره داشت که: «کلاس ضمن خدمت خود یکی از عامل‌های پیشرفت علمی معلمان است و هدف آن به‌روز کردن معلومات معلم است. ولی بعضی به دلایلی از معلمان از حضور در آن امتناع می‌کنند که یکی از دلایل آن حضور در دانشگاه برای ادامه تحصیل است» (مصاحبه شونده شماره ۱).

چالش‌ها و مشکلات معلمان در حال تحصیل از نگاه و تجربه مسئولین آموزش و پرورش شهر همدان در جدول (۳) آمده است:

جدول (۳) چالش‌های معلمان در حال تحصیل از دیدگاه مسئولین آموزش و پرورش شهر همدان

مقولات هسته‌ای	مقولات جزئی	تکرار پاسخ‌ها
اداری	غیبت غیرموجه	۵
	عدم حضور در کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه‌ها	۳
فردی	کم‌کاری	۴
	بالا رفتن انتظارات	۲

در جدول ۳ مشکلات ادامه تحصیل هم‌زمان با کار معلمان از دید و تجربه مسئولان آموزش و پرورش شهر همدان خلاصه شده است که آن‌ها را می‌توان در ۲ مقوله کلی دسته‌بندی کرد، هر یک از این کلیات به ۲ مقوله جزئی‌تر تقسیم شده‌اند که بر اساس تکرار بیشتر پاسخ‌ها اولویت‌بندی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌شک نقش معلمان با تحصیلات بالاتر در پرورش جامعه انکار ناپذیر است. در این بین چالش‌هایی بر سر راه آنان وجود دارد، عموماً این وضعیت مشکلاتی برای اساتید و مسئولان آموزش و پرورش ایجاد می‌کند. این مشکلات از زمانی بیشتر شده است که در چند سال اخیر بسیاری از معلمان به دلایل متفاوتی در پی بالا بردن میزان تحصیلات خود بوده‌اند. به همین دلیل در این

سال‌ها به این مشکلات بی‌توجهی شده است. در این وضعیت که بسیاری از معلمان در پی ادامه تحصیل هستند لزوم بررسی مشکلات این قشر از افراد جامعه ضروری است. این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های فراروی ادامه تحصیل معلمان اجرا شد و در جهت دستیابی به این هدف، طرح تحقیق موردنظر در قالب چهار سؤال پژوهشی به سعی در تعیین مؤلفه‌های این مشکلات در شهرستان همدان پرداخت:

معلمان به مشکلات بسیاری در بحث ادامه تحصیل خود اشاره کردند که برخی از آن‌ها متوجه شخص معلم و اقدامات او بوده و برخی دیگر به سازمان‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی و تعدادی از آن‌ها به بحث انگیزشی برمی‌گردد. بیان این مشکلات به این معنا نبود که مشکلات دیگری در راه ادامه تحصیل معلمان وجود ندارد، در واقع این مصادیق نگرش معلمان بوده که نسبت به تجربیات خود آن را بیان داشتند. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین مشکلی را که معلمان به آن‌ها اشاره کردند، عدم حمایتی است که انتظار دارند سازمان آموزش و پرورش از آن‌ها داشته باشند. برای نمونه آن‌ها به نداشتن مرخصی، مأموریت‌های تحصیلی، کسری حقوق و تذکرات کتبی و شفاهی اشاره داشتند. از دیگر مواردی که معلمان در مصاحبه‌های خود آن را بیان داشتند، تداخل کلاس‌های مدرسه و دانشگاه است. این چالش ناشی از حضور معلمان در مدرسه در ساعاتی است که باید در کلاس‌های خود در دانشگاه نیز حضور داشته باشند. این مشکل، چالش‌های فراوان دیگری را نیز به همراه دارد از جمله ایجاد فشارهای روانی به دلیل نگرانی‌های بسیار از عدم حضور در دانشگاه، عملکرد نامناسب در شغل و تحصیل خود، عدم یادگیری علوم دانشگاهی به دلیل عدم حضور و در بعضی موارد اخراج از دانشگاه به دلیل غیبت‌های مکرر. کمترین مشکلی که معلمان در مصاحبه‌های خود بیان داشتند اخراج یا ترک تحصیل است که ۲ نفر از معلمان مرد به آن اشاره کردند.

در مصاحبه‌های انجام شده اساتید به مشکلات بسیاری در ارتباط با دانشجو و معلمان اشاره کردند که اکثراً مربوط به بحث تحصیل می‌شود. با این حال این مشکلات بر گرفته شده از تجربیات اساتید بوده و امکان وجود مشکلات دیگری نیز هست. در تقسیم‌بندی انجام شده، مصاحبه اساتید شامل سه بخش فردی، تحصیلی و اداری است که مشکلات فردی به چالش‌های ناشی شده از معلمان اشاره می‌کند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که بیشترین چالشی را که اساتید

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

در مورد معلمان در حال تحصیل بیان داشتند، عدم حضور منظم معلمان در کلاس‌های دانشگاه است. این مشکل ناشی از تداخل ساعات حضور معلمین در کلاس درس با حضور آن‌ها در دانشگاه است که به ناچار معلمان مجبور به انتخاب شغل خود می‌باشند، این امر ناراضی‌آسائید و دیگر دانشجویان را به همراه خواهد داشت، همچنین این امر باعث دوری دانشجو از درس و عقب ماندن او در درس خواهد شد و خود این مشکل بر کیفیت تدریسی که از این‌گونه معلمان انتظار است، تأثیرگذار خواهد بود. مشکل دیگری که اساتید به آن بسیار اشاره داشته‌اند، عدم انجام تکالیف از سوی معلمان در حال تحصیل است که این امر ناشی از وجود مشغله‌ی معلمی است. همان‌طور که یکی از معلمان بیان داشت؛ بعد از توصیفی شدن بعضی پایه‌های دوره ابتدایی، معلمان آن‌ها حتی در منزل نیز مشغول انجام و تکمیل کار پوشه و پرونده‌های تحصیلی دانش‌آموزان خود هستند و این باعث عدم انجام درست تکالیف و تحقیقاتی می‌شود که اساتید از معلمین در حال تحصیل خواسته‌اند. دیگر چالش فراروی معلمین از دیدگاه اساتید آن‌ها که بسیار حائز اهمیت است، خستگی معلمان در کلاس‌های درسی دانشگاهی است؛ که ناشی از تحصیل و تدریس در ساعات طولانی از روز است. بسیاری از معلمین اشاره داشتند که بعد از اتمام کار خود در مدرسه باید خود را به سرعت به کلاس‌های دانشگاه برسانند. این مشکل در معلمانی که در شهرهای غیر از محل کار خود ادامه تحصیل می‌دهند دو چندان می‌شود. این مشکل مستقیماً بر روی کیفیت تحصیلش تأثیرگذار خواهد بود و حتی این خستگی‌ها بر روی تدریس معلمین در کلاس درس بی‌اثر نخواهد بود. به علاوه معلمان این خستگی را با خود به منزل خواهند برد که بر زندگی خانوادگی این دسته از افراد مؤثر است.

مسئولان آموزش و پرورش بیان کردند که تا وقتی ادامه تحصیل معلمان در کار آن‌ها خللی ایجاد نکند، با این امر مشکلی ندارند ولی در صورتی که ادامه تحصیل معلمان در تدریس آنان در مدارس مغایرتی داشته باشد ناخودآگاه با مشکلاتی مواجه خواهند شد. مسئولان آموزش و پرورش مشکلات زیادی را بیان نداشتند. این مشکلات در دو مقوله‌ی اداری و فردی تقسیم شد. این مشکلات بر اساس اولویت عبارت‌اند از: غیبت غیرموجه، کم‌کاری، عدم حضور در کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی و بالا رفتن انتظارات. نتایج حاصل از تحلیل نشان می‌دهد مسئولانی که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، همگی به غیبت‌های غیرموجه معلمان اشاره کرده‌اند. این مشکل ناشی از تداخل زمان تدریس در مدرسه و کلاس‌های دانشگاه است که معلم به

ناچار باید در یکی از این دو غیبت کند. در زمان امتحانات دانشگاهی معلمین مجبور به خروج از مدرسه می‌باشند که گاهی این غیبت‌های زیاد و بدون هماهنگی با اداره آموزش و پرورش خواهد بود. این عدم حضورها بر کمیت و کیفیت آموزش او در مدرسه بی‌تأثیر نخواهد بود. علاوه بر این اگر غیبت‌ها زیاد باشد، همراه با کسری حقوق و تذکر از سوی مدیران و مسئولان آموزش و پرورش خواهد شد و بی‌اعتمادی را بین معلم و مدیران ایجاد خواهد کرد. مشکل دوم کم‌کاری معلمان در مدارس است. در زمان تحصیل معلمان در مقطع کارشناسی ارشد مشکلات زیادی فراروی این دسته از معلمان است. این مشکلات خستگی‌های روحی و جسمی به وجود می‌آورد که نهایتاً کم‌کاری معلمین را در مدرسه به همراه خواهد داشت.

جدول ۴ فضای نتیجه مستخرج از مشکلات بیان‌شده از سوی سه گروه مصاحبه‌شونده

مقولات اصلی	اساتید	مسئولان آموزش و پرورش	معلمان
اداری	مختل کردن کلاس‌ها به خاطر خویش اخراج از کلاس عدم فرصت کافی برای تحصیل	غیبت غیرموجه عدم حضور در کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه-های آموزشی	تداخل کلاس مدرسه و دانشگاه کمبود وقت برای تدریس و تحصیل
شخصی	عدم حضور منظم در کلاس خستگی در کلاس درس انتقال مشکلات خانوادگی به تحصیل ایجاد نارضایتی در دیگر دانشجویان مدرک گرایی	کم‌کاری بالا رفتن انتظارات	عدم انجام تکالیف استفاده از روش‌های نامناسب برای کسب نمره خستگی فراوان مشکلات و هزینه‌های رفت و آمد بروز مشکلات خانوادگی
تحصیلی	عدم انجام تکالیف بی‌ارزش دانستن امر تحصیل نداشتن اطلاعات کافی و به‌روز انتظارات بالا ضعف پایه‌ی تحقیقاتی و پژوهشی حذف یا مردودی در دروس طولانی شدن پایان‌نامه		شهریه‌ی دانشگاه عدم حمایت دانشگاه و ادارات اخراج یا ترک تحصیل
انگیزشی			فشار روحی و اضطراب و استرس کاهش انگیزه به تدریس و تحصیل

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

همان‌طور که می‌توان دید شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین تجارب و درک معلمان در حال تحصیل، اساتید آن‌ها و مسئولین آموزش و پرورش وجود دارد که در جدول ۴ خلاصه شده است: با کمی دقت می‌توان دریافت که هر سه گروه غیبت‌های مکرر معلمان را جزء بزرگ‌ترین مشکلات و چالش‌ها بیان کرده‌اند، هر دسته از این سه گروه آن را به نوعی اظهار داشتند، معلمان از آن به‌عنوان تداخل کلاس‌های مدرسه و دانشگاه، کمبود وقت تدریس و تحصیل هم‌زمان و اخراج یا ترک تحصیل یاد کردند، اساتید آن را به‌عنوان عدم حضور منظم در کلاس، بی‌ارزش دانستن امر تحصیل، اخراج از کلاس، حذف یا مردودی در دروس، عدم فرصت کافی برای تحصیل و بی‌ارزش دانستن امر تحصیل معرفی کردند و مسئولان آموزش و پرورش آن را به‌عنوان غیبت غیرموجه معلمان از مدرسه عنوان کردند. اساتید به خستگی معلمان در کلاس درس، معلمان نیز به خستگی فراوان خودشان در کلاس درس و مسئولان آموزش و پرورش نیز به کم‌کاری معلمان اشاره کردند. از دیگر مواردی که هر سه گروه از مصاحبه‌شونده‌ها به آن اشاره کردند، مشکلات تحصیلی معلمان در حال تحصیل بود. هر یک از آن‌ها این مشکل را به‌گونه‌ای بیان داشتند. اساتید آن را به‌صورت‌های مختلفی بیان داشتند از جمله: طولی شدن پایان‌نامه، ضعف پایه‌ی تحقیقاتی و پژوهشی، نداشتن اطلاعات کافی به‌روز در رشته خود و عدم انجام تکالیف. مسئولین از آن به‌عنوان عدم حضور در کلاس‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی یاد کردند. همچنین معلمان به استفاده از روش‌های نامناسب برای کسب نمره و عدم انجام تکالیف اشاره داشتند. در جایی دیگر اساتید و مسئولین آموزش و پرورش به بالا رفتن انتظارات این دسته از معلمان اشاره داشتند. هم‌زمان اساتید و معلمان به مشکلات خانوادگی معلمان که به تحصیل و تدریس آن‌ها لطمه می‌زند اشاره کرده‌اند.

با این حال مصاحبه این سه گروه تفاوت‌های نیز با یکدیگر داشتند که هر گروه از دید خود این مشکلات را اظهار داشته است. اساتید از مختل شدن کلاس‌ها توسط معلمان گلایه‌مند بودند و در جایی دیگر به مدرک‌گرایی معلمان در حال تحصیل اشاره داشتند. معلمان در مصاحبه‌های خود بسیاری مشکلات را از دید خود بیان کردند که از سوی دیگر گروه‌های مصاحبه‌شده اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. بسیاری از معلمان به عدم حمایت‌های مناسب از سوی آموزش و پرورش و آموزش عالی اشاره داشتند. در جایی دیگر معلمان مشکلاتی از قبیل فشارهای روحی، اضطراب و استرس شدید، کاهش انگیزه به تدریس و تحصیل، شهریه‌های دانشگاه و مشکلات رفت و آمد

را بیان کردند. در جدول ۴ شباهت‌ها و تفاوت‌های مشکلاتی که از سوی سه گروه مصاحبه شونده بیان شده است، آورده شده است.

می‌توان دریافت که بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکل بر سر راه ادامه تحصیل معلمان، تداخل زمانی میان کلاس‌های دانشگاه و مدرسه است که منجر به بروز مشکلات عدیده‌ای می‌شود. مسئولین آموزش و پرورش بیان داشتند تا زمانی که معلم به موقع در کلاس درس خود حضور پیدا کند از سوی ما، ادامه تحصیل وی مشکل تلقی نمی‌شود. بیشتر مشکلاتی را که اساتید بیان داشتند جنبه تحصیلی دارد که این مشکلات نیز از عدم حضور معلمان در کلاس‌های دانشگاهی ناشی می‌شود که منجر به عقب ماندن از تحصیل و دروس می‌شود. در مورد معلمان نیز تداخل میان کلاس‌های مدرسه و دانشگاهی مهم‌ترین مشکل بود.

در گذشته با دادن مأموریت به تحصیل به معلمان این مشکلات چندان بروز پیدا نمی‌کرد، ولی در حال حاضر به دلیل تعداد زیاد معلمان در حال تحصیل امکان دادن مأموریت تحصیلی به کلیه‌ی این معلمان وجود ندارد. تأسیس دانشگاه فرهنگیان می‌تواند بسیاری از این مشکلات را بر طرف سازد. این دانشگاه تحت نظر آموزش و پرورش است در نتیجه تداخل کلاس‌ها و دیگر مشکلات ناشی از آن برطرف می‌شود. با این حال در بعضی رشته‌ها ناگزیر معلم باید برای ادامه تحصیلات خود به آموزش عالی و دانشگاه‌های خاصی مراجعه کند که وجود مأموریت‌های تحصیلی فقط برای بعضی رشته‌ها لازم به نظر می‌رسد. از دیگر راه‌های ممکن برای حل این مشکلات وجود دانشگاه و دوره‌های مجازی و آن‌لاین برای از بین بردن مسافت شهرها و تداخل ساعات کلاس‌های دانشگاه و ساعات تدریس در مدارس است. از ویژگی‌های خاص این‌گونه دانشگاه‌ها نیاز نداشتن به حضور فیزیکی استاد و دانشجو در کلاس درس، وابسته نبودن کلاس درس به زمان خاصی، حضور بیشتر دانشجویها برای ارائه درس‌ها و دسترسی آسان است.

منابع

ابوحوزه، فرهاد. (۱۳۶۸). مقایسه عملکرد فارغ‌التحصیلان مرکز تربیت معلم، فصل‌نامه تعلیم و تربیت.

شماره ۱۸. ۱۳۲-۱۳۲

پدیدار نگاری درک و تجربه معلمان از ادامه تحصیل

درویشی، وحید. (۱۳۷۴). بررسی مشکلات روانی، عاطفی و تربیتی دانشجو-معلمان مرکز تربیت معلم شهید باهنر همدان در سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳. پایان نامه منتشر نشده دوره کارشناسی دانشگاه تربیت معلم شهید باهنر همدان.

زیباکلام، سعید (۱۳۸۹). ضرورت بازنشاسی و بار تعریف الگوی علمی ایران. در ابراهیم کلانتری مجموعه مقالات نخستین همایش درآمدی بر کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران. جلد ۲ علم و فرهنگ انتشارات دانشگاه تهران ص ۲۸۳-۲۳۱.

عرب، طیبیه. (۱۳۷۳). بررسی علل گرایش معلمین به ادامه تحصیل و شرکت در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت. پایان نامه منتشر نشده دوره کارشناسی. مرکز آموزش عالی ضمن خدمت ابن سینا همدان.

گال م.، بورگ و. و گال ج. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی، ترجمه: احمد رضا نصر و همکاران. جلد دوم. تهران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انتشارات سمت.

لاکهید، ای. مارلن و ورسپور، آدرین (۱۳۷۱). توسعه کمی در بهبود کیفی آموزش ابتدایی در کشورهای درحال توسعه. ترجمه: سید جعفر سجادیه و حسین محمد علی زاده منجی. تهران. انتشارات مدرسه.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی). جلد ۲. نشر: تهران. انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ اول

محمدی، رضا و همکاران. (۱۳۸۴). علل انگیزش معلمان دوره ابتدایی استان کردستان به تحصیل در آموزش عالی. فصل نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۳۷ و ۳۸.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۸). شیوه‌نامه ادامه تحصیل فرهنگیان. شماره ۶۲۰/۳۵۳۶/۲۳.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۲). بخش نامه و دستورالعمل‌های اداری. شماره ۶۱۰/۱۱۱۶۰/۴۷.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۸). توضیحات فرم معلم، اعلام موافقت با انتخاب رشته فرهنگیان. شماره ۵۴۶۷۸/۶۰۳.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۹). نگاه؛ هفته‌نامه خبری-تحلیلی و آموزشی وزارت آموزش و پرورش. شماره ۴۴۳.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). نگاه؛ هفته‌نامه خبری-تحلیلی و آموزشی وزارت آموزش و پرورش. شماره ۴۵۰.

هلک، ژاک. (۱۳۷۱). سرمایه گذاری برای آینده آموزش و پرورش. ترجمه: عبدالحسین نفیسی. تهران: انتشارات مدرسه.

- Booth, S. (1997). On phenomenography, learning and teaching. *Higher Education Research & Development*.
- Cobb, V. (1999). *An International Comparison of Teacher Education*. *Eric Digest*. *Eric Clearinghouse on Teaching and Teacher Education Washington DC*.
- Collinson V., & Ono, Y. (2001). The professional development of teachers in the United States and Japan, *European journal of teacher education*
- Reimers, E. V. (2003). *Teacher professional development, an international review of the literature* –UNESCO
- Entwistle, N. (1997). Introduction: Phenomenography in higher education. *Higher Education Research & Development*. 16(2), 127–134
- Marton, F. (1981). Phenomenography. Describing conceptions of the world around us. *Instructional Science*. 10, 177-200. (23 s)
- Marton, F. (1986). Phenomenography. A research approach to investigating different understandings of reality. *Journal of Thought*., 21, 28-49
- Marton, F. (1994). Phenomenography. In T. Husen & T. N. Postlethwaite (Eds.), *The International encyclopedia of education*. Oxford, U.K.: Pergamon.
- Sharma. R. C. (2001). Total Quality Management in Education, Indira Gandhi National Open University, India.
- Huberman, T. (2004). Teachers professional Growth and improvement. UNESCO.